

یادداشت

راز کبریت‌های بی‌خطر در ایران



مجیدی لشکر بلوکی

کارشناس مسائل اقتصادی

در تاریخ ایران، طولانی‌ترین دوران نخست‌وزیری را هویدا داشت یعنی سیزده سال. در مورد عصا و پیپ‌اش می‌گفت، کارِ کاریکاتوربست‌ها را آسان کرده و بهانه بیشتری برای کشیدن کاریکاتور من دارند! پس از سیزده سال نخست‌وزیری در ایران، تقریباً هیچ چیزی از دار دنیا نداشت، تورم صفر درصد طی سیزده سال نخست‌وزیری او، رویایی است که امروزه، باورش برای ما سخت است. در داد‌گاه گفت: خود‌کار بیک طی سیزده سال نخست‌وزیری من سه ریال باقی ماند «البته تورم صفر درصد سیزده ساله واقعیت ندارد کافیست به ارقام نگاه کنیم حالا ممکن است قیمت یک کالا ثابت مانده باشد ولی متوسط تورم سال‌های نخست‌وزیری هویدا هشت درصد بود.» اما تاسف در اینست که راز صدارت سیزده ساله هویدا و اینکه طولانی‌ترین دوره را داشته نه به‌خاطر این بوده که فساد مالی نداشته یا تورم را در صفر درصد نگهداشته بوده بلکه، تملق و کرنش افراطی او بوده، به قول میلانی: «شاه تشنه تعریف و تمجید بوده و هویدا به خوبی «برق چشمان شاه را به هنگام مقایسه با ژنرال دوگل دیده بود.»! تمام وزیران کابینه‌اش به دستور شاه انتخاب می‌شدند جداگانه شرفیاب شده و از شاه دستور می‌گرفتند. هویدا بدون توجه به حدود اختیارات و مسئولیت‌های نخست‌وزیر یک کشور مشروطه و با آشنایی با روحیه محمدرضا شاه، سعی میکرد مقام خود را حفظ کند و فرامربدار بی‌چون و چرای «ارباب» باشد. وزیران هویدا نیز اغلب از او حساب نمی‌بردند و خود را منصوب شاه می‌دانستند طوری که گاهی وزیران در حضور او در جلسات هیات‌وزیران، فحاشی می‌کردند حتی در یک مورد، اردشیر زاهدی در حضور دیگر وزیران، هویدا را به یاد دشنام گرفت. وی همیشه تأکید داشت که در مملکت، شخص دومی وجود ندارد و شاه همه چیز است. در دهمین سالگرد نخست‌وزیری‌اش، از او سؤال شد که فکر می‌کند تا چند سال دیگر بر این مسند بنشیند؟

با خنده گفت: «سند نخست‌وزیری را مادام‌العمر به نام من زده‌اند!» هویدا برعکس کثیری از دولتمردان فاسد ایرانی، هرگز فساد مالی نداشت اما به قول بیژن جزنی، اختیار‌اش کمتر از اختیارات کریم‌شیرای دلقک دربار ناصرالدین‌شاه بود! کبریت بی‌خطر بود و رمز ماندگاری‌اش، کرنش و تملق بود، همیشه «تابع جیب‌باد» بود. پس از انقلاب نیز به صف موافقان جمهوری اسلامی درآمد و در فروردین ۱۳۵۸ در زندان قصر در کمال شگفتی به جمهوری اسلامی رأی داد و خدا را شکر کرد که به سباط دیکتاتوری در این مملکت جمع‌شد! این تلون مزاج هویدا باعث شگفتی خبرنگاران شد و وقتی پرسیدند چه رأیی دادید؟ پاسخ داد: به جمهوری اسلامی رأی دادم... انشالله... مبارک است» در نگاه اول می‌توان صورت مساله را به سطح مسائل شخصی و روانشناختی تقلیل داد که ایشان را فردی ناتوان، ضعیف‌النفس، وابسته، غیرمقتدر، حزب‌باد و متلون دانست. ولی سطح تحلیل را می‌توان عمیق‌تر کرد. می‌توان از خود سه سوال پرسید: چرا چنین فردی می‌تواند به بالاترین مقام اجرایی کشور دست یابد؟ چرا چنین فردی می‌تواند در چنین مقامی ۱۳سال دوام بیاورد؟ آیا این فرد، موثرترین و بهترین و شایسته‌ترین فرد برای حکمرانی است؟ در سلسله گزارش‌های چرا ایران عقب ماند و استراتژی توسعه ایران به هفت چرخه شوم (دور باطل) توسعه نیافتگی ایران اشاره شده. یکی از آن هفت چرخه، تداوم تر تبیات سیاسی محدود نام دارد. توضیح آنکه اگر تر تبیات سیاسی محدود باشد، هزینه کشتگری، انتقاد و فعالیت سیاسی بالا می‌رود. به همین خاطر بسیاری عطای مشارکت در بهبود کشور را به قلاش می‌بخشند و با بهانه سیاست پدر و مادر ندارد و کنیف است به امور علمی، فنی، شخصی می‌رسند و وقت گذاشتن برای فرزند و نوه و حیوان خانگی را به کشتگری سیاسی ترجیح می‌دهند. جامعه به سکوت کشیده می‌شود. چه نتیجه‌ای دارد؟ بروز و ظهور نسل بله قربان گو، پاچه خوار و منفعل، وابسته و کمبود کشتگران مرزی مستقل و عدم تغییر در قواعد بازی سیاسی و در نتیجه تداوم بهاد سیاست با دسترسی محدود و همین می‌شود که یکی از مدیران ارشد کشور و یکی از وزرای دولت فعلی گفته است: در نظام مدیریت کشور رز بقاء در سکوت و همراهی است. راز رشد در تئوریزه کردن منویات اصحاب قدرت و راز حذف در مشاوره صادقانه و کارشناسانه! بیشتر از آنکه آدم‌ها را تخطئه کنیم به ساختارها، قواعد و نهادها بپردازیم و فعلاً برای شروع از «خرده ساختارها و خرده نهادهای» دور و بر خود اعم از خانواده، مدرسه، محله، اداره، دیار تمان، شرکت و شهر خود را بر اساس قواعد (تر تبیات) باز، شفاف و منصفانه طراحا کنیم.

دیدگاه

جنگ روسیه و اوکراین: علل و پیامدها

ادامه از صفحه یک است. علاوه بر این، اعتقادی وجود دارد مبنی بر اینکه اولین دولت روسیه در کیف، پایتخت اوکراین امروزی تأسیس شده‌شد. رومیان این زمانی که روماط این دو کشور را بر اساس هویت ملی مورد مذاقه قرار می‌دهیم، دلایل هویتی مستحکمی در راستای رویکرد تهاجمی روسیه نسبت به اوکراین وجود دارد. در خصوص پیامدهای این جنگ، می‌توان پیش‌بینی کرد که نخستین واکنش‌ها در حوزه اتحادیه اروپا نمایان خواهد شد. کشورهای غیر متعهد بین روسیه و ناتو مانند سوئد و فنلاند احتمالاً واکنش‌های سیاسی و اقتصادی خود را با اتحادیه اروپا هماهنگ‌تر خواهند کرد و تحریم‌های اقتصادی و ابتکارت مالی، سازوکار اصلی و بزرگ‌نگاه کشورهای مخالف اقدام تهاجمی روسیه خواهد بود. اگر روسیه از سیستم نقل و انتقالات بانکی حذف شود، تأثیرات اقتصادی آن قوی خواهد بود. اما تحریم‌ها بر اقتصاد اروپا تأثیرات منفی زیادی خواهد گذاشت، زیرا روسیه نفت و گاز زیادی به اروپا می‌فروشد. این احتمالاً جنگ اراده‌ها خواهد بود که کدام طرف می‌تواند بیشترین ضرب و شتم را تحمل کند، پیش از اینکه مجبور به دادن امتیاز باشد. در خصوص اینکه این تنش تا چه زمانی پایدار خواهد بود باید اذعان کرد که پوتین امیدوار است که جنگ به‌زودی پایان یابد. چراکه جنگ هزینه زیادی برای مسکو دارد. از این‌و به‌نظر می‌رسد طرف مدت کوتاهی اعلام خواهد کرد که به اهدافی که قصد داشته درنهایت یافته‌است. اما تا زمانی که اوکراین توانایی دفاعی داشته باشد و غرب بتواند فشار اقتصادی را بر روسیه تحمیل کند، این جنگ مطمئناً بیشتر از آنچه پوتین امیدوار است ادامه خواهد داشت.

سید جلال ساداتیان در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

توافق در زمان روحانی؟

- الان وارد بازار انرژی اروپا شده بودیم

◀ دولت سیزدهم فرصت زیادی را برای مذاکرات از دست داد ▶ پوتین از غرب رودست خورده‌است

◀ احتمال دخالت نظامی اروپا در جنگ اوکراین هست ▶ بحران اوکراین موضع ایران در مذاکرات را ضعیف‌تر خواهد کرد

◀ غرب می‌خواهد بنیان‌های حکومت پوتین را تضعیف کند ▶ نقش روسیه در مذاکرات وین به صفر خواهد رسید

◀ هدف آمریکامشغول کردن روسیه به جنگ است ▶ تحریم‌های اعمال شده علیه روسیه پیامدهای سنگینی دارد



کوشارهایی مانند چین و دیگر کشورهای مخالف آمریکا کمتر خواهد شد. به‌هر حال اتحاد روسیه و چین برای آمریکا خوشایند نیست و به همین دلیل آمریکا تلاش می‌کند در این اتحاد اخلال ایجاد کند و یا آن را به تأخیر باندازد. به همین دلیل اگر روسیه در آینده به این نکته پی ببرد که رویکرد نظامی در اوکراین ممکن است این کشور را از منافع ملی خود در نقاط دیگر جهان دور کند این احتمال وجود دارد در تصمیمی که درباره حمله به اوکراین

گرفته تجدیدنظر کند. در شرایط کنونی این سوالات مطرح‌است که آیا درگیری حمله نظامی به اوکراین- به چه میزان روسیه را به اهداف خود می‌رساند؟ آیا هزینه‌هایی که روسیه به خاطر این حمله باید پرداخت کند به اندازه سود آن است و یا خیر؟ اگر فرض بگیریم جنگ در اوکراین طولانی شود و شک تخریبی به خود بگیرد هیچ بعید نیست که کشورهای اروپایی نیز وارد جنگ شوند. هر چند این کشورهای هیچ نظر آمدگی چنین کاری را ندارند.

بسیاری از کشورهای اروپایی به این نکته واقفاند که از نظر اقتصادی توانایی ورود به چنین جنگی را ندارند. در چنین شرایطی کشورهای اروپایی به‌هیچ‌عنوان از روسیه نیز تمکین نخواهند کرد. هدف مطلوب آمریکا و

کوشارهایی مانند چین و دیگر کشورهای مخالف آمریکا کمتر خواهد شد. به‌هر حال اتحاد روسیه و چین برای آمریکا خوشایند نیست و به همین دلیل آمریکا تلاش می‌کند در این اتحاد اخلال ایجاد کند و یا آن را به تأخیر باندازد. به همین دلیل اگر روسیه در آینده به این نکته پی ببرد که رویکرد نظامی در اوکراین ممکن است این کشور را از منافع ملی خود در نقاط دیگر جهان دور کند این احتمال وجود دارد در تصمیمی که درباره حمله به اوکراین

گمان نمی‌کردم پوتین با آن همه ذکاوت و هوشیاری که داشتند در ماجرای اوکراین از غرب رو دست بخورد. آمریکا و مجموعه کشورهای عضو ناتو قبل از حمله روسیه به اوکراین عنوان کردند که وارد جنگ احتمالی

◀ پوتین به چه میزان از اهدافی که در اوکراین داشت دست پیدا کرده‌است؟ آیا پوتین گمسان می‌کرد با تحریم‌های بی‌سابقه کشورهای غربی مواجه خواهد شد؟

گمان نمی‌کردم پوتین با آن همه ذکاوت و هوشیاری که داشتند در ماجرای اوکراین از غرب رو دست بخورد. آمریکا و مجموعه کشورهای عضو ناتو قبل از حمله روسیه به اوکراین عنوان کردند که وارد جنگ احتمالی

نخواهند شد و تاکنون که

جنگ رخ‌داده نیز به حرف

خود عمل کردن و وارد

جنگ نشده‌اند. تصور پوتین

این بود که آقای به عنوان

فردی اتو کشیده پس از

حمله روسیه به اوکراین

می‌ترسد و صحنه ا‌ترک

می‌کند و وی می‌تواند

با برگزاری یک انتخابات

ظاهری فضا را به سمتی

ببرد که دولتی دست‌نشانده

روسیه در اوکراین سرکار

بباید. هدف پوتین این بود

که دغدغه‌هایی که در این

زمینه دارد را مرتفع کند

و اوکراین را با یک تهاجم

می‌تواند در اختیار بگیرد.

با این‌وجود ایستادگی

آقای زلنسکی و سرازیر

شدن سلاح و مهمات از

کشورهای اروپایی به

اوکراین شرایط را تغییر داد و معادلات را به هم‌ریخت. هر چند در روزهای اخیر پوتین نیروها و سلاح‌های بیشتری را روانه جنگ اوکراین کرده‌است. معنای این حرف این‌است که احتمال دارد در روزهای آینده میزان تنش و درگیری‌ها در اوکراین افزایش پیدا کند و جنگ در اوکراین ممکن است در وضعیت وخیم‌تری قرار بگیرد.

آیا شرایط موجود مطلوب پوتین خواهد بود؟

خیر؛ این وضعیت مطلوب پوتین نیست. تحریم‌هایی علیه روسیه اعمال شده که در آینده پیامدهای سنگینی برای این کشور خواهد داشت. نشانه‌های این تحریم‌های گسترده و عمیق نیز در روزهای اخیر مشاهده شده‌است و روسیه از جنبه‌های مختلف با چالش‌های جدی در عرصه بین‌المللی مواجه خواهد شد. در شرایط کنونی پروازهای هوای روسیه در بسیاری از کشورهای غربی ممنوع شده و این کشور از نظر مراودات تجاری نیز با محدودیت‌هایی مواجه شده که احتمالاً در آینده این محدودیت‌ها بیشتر نیز خواهد شد. لاوروف وزیر امور خارجه روسیه قرار بود برای کمیته حقوق بشر سخنرانی کند، با این‌وجود به‌محض اینکه سخنرانی وی آغاز شد همه حضار سالن را ترک کردند. این نوع رفتار نشان می‌دهد که وضعیت برای روسیه در عرصه بین‌المللی در آینده با مشکلات جدی مواجه خواهد شد. حتی لاوروف برای سفر به ژنو برای انجام این سخنرانی از طریق هواپیما نیز با مشکلاتی مواجه بوده‌است. این اتفاقات بازتاب‌هایی نیز خواهد داشت و این بازتاب‌ها در نهایت واقعیت‌هایی را برای روسیه مشخص خواهد کرد. هدف کشورهای غربی نیز این‌است

فرارو

رضانصری مطرح کرد:

شکستن «بن‌بست» وین

یک کارشناس مسائل بین‌الملل درباره احیای برجام و اینکه این مساله به کدام طرف بستگی دارد اظهار داشت: در مذاکرات معمولاً مرسوم‌است هر طرف در رسانه‌ها می‌گوید آنچه وظیفه‌اش بوده را به سهم خود انجام داده و حال نوبت طرف مقابل است که متقابلاً تصمیم بگیرد! هدف از این موضع‌گیری این‌است که در صورت شکست مذاکرات، بتواند طرف مقابل را مقصر جلوه دهد، اما حقیقت این‌است که معمولاً موفقیت مذاکرات منوط به تصمیم‌گیری و فداکاری هر دو طرف‌است. در این مورد نیز ایران و آمریکا هر دو باید تصمیمات جدی و اساسی بگیرند. معتقدم مهم‌ترین تصمیم هم الزاما این نیست که چطور مجدداً وارد قرارداد بشوند؛ مهم‌ترین تصمیم این‌است که وقتی قرارداد احیا شد، چطور و طی چه فرایندی آن را زنده نگه دارند. رضانصری گفت: در تهران تصمیم نهایی در مورد توافق، یک تصمیم حاکمیتی است. اما

جریان‌های متنفذ و پر سروصدایی - به ویژه درون مجلس وجود دارد که هویت پروژه سیاسی‌اش به تداوم تنش با آمریکا گره خورده است و با هر توافقی حتی پیش از آشکار شدن مفاد آن مخالفت می‌کنند. وی افزود: در زمان برجام، پیش از انتشار متن توافق مخالفت می‌کردند و امروز نیز حتی پیش از اینکه معلوم شود در وین بر سر چه مواردی توافق شده، تیم آقای باقری را به واگذاری منافع ملی ایران و عبور از خطوط قرمز متهم می‌کنند. این‌ها در تصمیم کلان نظام فضای کسب‌وکار را مدام متشنج نگه می‌دارند و دل سرمایه‌گذاران و کارآفرینان را خالی می‌کنند. نصری در خصوص اهمیت عنصر زمان در مذاکرات اظهار کرد: ضرب‌الاجل یک کارکرد سیاسی دارد و اهمیتی ندارد؛ اما «زمان» بسیار مهم است. چراکه با گذر زمان، دست‌کم دو اتفاق خواهد افتاد که نتیجه مذاکرات را به مخاطره می‌اندازد: اول اینکه جریان مخالف برجام در واشنگتن فرصت بیشتری می‌یابد تا موانع حقوقی و سیاسی بیشتری بر سر راه احیای توافق ایجاد کند. دوم اینکه در صحنه بین‌المللی نیز ممکن است اتفاقاتی رخ دهد که انعقاد توافق را ناممکن یا بسیار دشوار کند. مثلاً تصور کنید در جریان جنگ روسیه و اوکراین یک سفار تخانه غربی آسیب ببیند، ک بسیاری شهروند آمریکایی با یک دیپلمات اروپایی کشته شود، یک درگیری نظامی میان نیروهای ناتو و روسیه صورت بگیرد یا یک فاجعه انسانی رخ دهد. قطعاً ادامه راه در چارچوب کنونی بسیار دشوار خواهد بود. این تحلیلگر مسائل بین‌الملل در خصوص تنش در روابط آمریکا و روسیه و تأثیر آن بر مذاکرات بیان کرد: تا امروز تأثیر قابل ملاحظه‌ای نگذاشته‌ام اما ممکن است با گذر زمان و تشدید اختلافات در مورد اوکراین این دینامیک عوض شود. آن هم دست‌کم چارچوب کنونی بسیار دشوار خواهد بود.

واقعیت این‌است که روسیه در مذاکرات وین نقش رابطه را بین ایران و کشورهای غربی ایفا می‌کرد. کار به جایی رسیده بود که اولیانوف در برخی مقاطع در عمل به‌جای هیات ایرانی حرف می‌زد. وی با رابرت مالی و هیات عربستانی نیز دیدار و گفت‌وگو کرد. در پاسخ به اینکه پس از حمله روسیه به اوکراین این نقش به چه میزان خواهد بود این نقشی در چنین جنگی را ضعیف‌تر خواهد شد. اینکه ایران در چنین شرایطی چگونه قصد دارد به مذاکرات ادامه بدهد جای سؤال خواهد داشت. مواضع اخیر ایران که خواستار توقف جنگ در اوکراین شد

شاید کشورهای غربی را متقاعد کند که موضوع برجام را به‌صورت جداگانه در دستور کار قرار بدهند تا به نتیجه برسند. واقعیت غیرقابل‌انکار این‌است که دولت سیزدهم و تیمی که در حال مذاکره با کشورهای غربی است در این مدت بسیاری از فرصت‌ها را از بین بردند. اگر اجازه داده شده بود مذاکرات در دولت روحانی به همراه داشت. اگر این اتفاق رخ داده بود منافع ما زودتر تأمین می‌شد و ما می‌توانستیم از امتیازهایی که در اختیار داریم بیشتر به سود خود استفاده کنیم. اگر این اتفاق رخ داده بود ما در شرایط کنونی می‌توانستیم وارد بازار گاز و انرژی اروپا شویم. بدون تردید این اتفاق از نظر اقتصادی پیامدهای مثبت و تعیین‌کننده‌ای برای ایران به همراه داشت. ما ملاحظات و روابطی داریم که بر اساس آن واکنش نشان می‌دهیم. این البته بحث دیگری است که مسئولان در جمهوری اسلامی ملاحظات خود را در نظر بگیرند و واکنش متناسب با آن را نشان دهند. من اما معتقدم که در هیچ شرایطی تعرض به یک کشور دیگر توجیه منطقی، قانونی و حتی انسانی ندارد و قابل‌قبول نیست. در شرایط کنونی در داخل کشور شاهد تحلیل‌هایی هستیم که با آن موافق نیستیم. مثلاً اینکه شاید درگیری اخیر به‌خاطر اینکه غرب و آمریکا را درگیر این موضوع می‌کند و سبب می‌شود که احتمالاً از ایران غفلت کنند، به ایران نظر دهد تا بر موضوع خود بیشتر اصرار کند. به من نباید فکر کرد چون آنها درگیر مسائل اوکراین شده‌اند از مساله ایران غفلت می‌کنند.